



گفت‌وگو
شیوانوروی
کروش با مدیران فدراسیون فوتبال

تمامی ندار. از زمانی که سرمربی پر تقالی سکان هدایت تیم ملی را به دست گرفته بارها و بارها شاهد درگیری رسانه‌ای او با مسئولان فدراسیون بوده‌ایم. تاجایی که در برخی موارد دغاغله تنها با کنار گذاشتن برخی افراد خاتمه یافته‌است. حال آنکه این حواشی عملکرد تیم ملی که برای صعود به جام جهانی ۲۰۱۸ تلاش می‌کنند ا تحت تأثیر قرار می‌دهد. مدیریت ضعیف فدراسیون فوتبال در جمع کردن این حواشی و بر آورده کردن انتظارات کروش از جمله موضوعاتی است که با سعید فاتقی، معاون اسبق سازمان تربیت بدنی در مورد آنها به گفت‌وگو نشستیم.

سعید فاتقی معاون سابق سازمان تربیت بدنی در گفت‌وگو با «جوان»:

نباید با خالی‌بندی توقعات کروش را بالا ببریم

منتقل می‌کند و توقعاتش را نیز بالا می‌برد. کمیته مربیان اگر قدر باشد و مدیریت خوبی و قوی داشته باشد قطعاً سرمربی نیز نمی‌تولند چنین رفتارهایی از خود نشان دهد. **کمبود امکانات، نقض تدارکات ومسائل حاشیه‌ای همواره دلایل اصلی کارلوس کروش برای اعتراض وانتقادهای بوده‌است. به نظر شما این مسائل بهانه‌های قابل قبولی برای مصاحبه‌های تندعلیه مسئولان فدراسیون هستند؟**

متأسفانه عوام‌گرایی یکی از مشکلات اصلی ماست. از زمانی که کروش برای اولین بار به ایران آمد و کارش را در تیم ملی شروع کرد چند سال می‌گذرد. او وضعیت امکانات سخت‌افزاری ما را بهتر از خودمان می‌شناسد. پس در خواست‌های فراتر از این امکانات اصلاً قابل قبول نیست. کروش با این کارش خطرات موجود بر سر راه تیم ملی را به مدیران منتقل می‌کند و گرنه‌او از همه بهتر می‌داند شرایط ما چگونه‌است و تا چه اندازه می‌توانیم برای تیم ملی و برگزاری بازی‌های تدارکاتی هزینه کنیم. همه این موارد مشخص است. منتها او به یاد گرفته که از این طریق می‌تواند امکانات بیشتری برای تیم ملی کسب کند. اگر خدای نکرده تیم ملی نتیجه نگرفت نیز بگوید من از قبل اطلاع داده بودم. مدیران امکانات تهیه نکردند و ما هم نتیجه نگرفتیم. البته من به کروش حق می‌دهم اعتراض کند چرا که با او هیچ کشفاف صحبت نکرده‌ایم. مگر می‌شود سرمربی تیم ملی فقط از طریق سایت‌ها و رسانه‌ها با فدراسیون صحبت کند! کجای دنیا چنین مدیریتی را شاهد هستیم؟

کارلوس کروش یکی از مربیان حرفه‌ای دنیاست که در بهترین تیم‌های باشگاهی و ملی فعالیت داشته. چرا در تیم‌های مطرح جهان شاهد چنین رفتارهایی نیستیم؟

کروش در کشور خودش یا منجستریونایتد که نمی‌تولند چنین

صحبت‌هایی را مطرح کند چرا که می‌داند آنجامه چیز طبق قانون و مقرراتی که از قبل اعلام شده انجام می‌شود. در کشور ماست که می‌توان به بسیاری مسائل اعتراض کرد و از وزیر گرفته تا مدیران پایین‌تر را به حاشیه برد. هیچ‌وقت در فوتبال حرف‌های چنین اتفاقاتی نمی‌افتد. شاید در کشورهای حاشیه خلیج فارس شاهد حواشی اینچنینی باشیم. در کشورهای عربی چون اغلب مدیران فوتبال‌شان نیز شاهزاده‌هایشان هستند و به خاطر رابطه‌ای که با حاکمیت دارند نه تخصص و تجربه‌شان چنین مواردی به چشم می‌خورد. چرا راه دور برویم؟ در زمان مدیریت مهندس هاشمی‌طباطبائی حاشیه‌هایی از این دست نداشتیم. چون مدیرانی که انتخاب شده بودند همگی شایستگی‌های لازم را داشتند. مشکلات و حواشی که تیم ملی دارد کلاً مدیریت است و متأسفانه مدیریت فوتبال ایران کوتوله شده‌است.

راهکار شما برای حل این حواشی چیست؟

به ویژه در فوتبال دارای‌های خوسی در حوزه نیروهای انسانی داریم. در واقع باید از این دارایی‌ها در رده‌های بالای مدیریت بهره برد و به آنها بها بدهیم. مقایسه مدیران فعلی فدراسیون با مدیران گذشته از نظر عملکرد، تجربه، علم، تخصص و خدماتی که برای فوتبال انجام داده‌اند همه چیز را مشخص می‌کند.

در راه صعود تیم ملی فوتبال به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه حضور فعالی در ورزش داشتید. آن زمان چطور حاشیه‌های موجود را مدیریت کردید؟

اتفاق آن زمان روحیه و روح (سرمربی وقت) تقریباً شبیه کارلوس کروش بود. ویرا زیاد مصاحبه می‌کرد و سعی می‌کرد تبلیغات رسانه‌ای کند اما ما در استرالیا از همان روحیه‌اش استفاده مثبت کردیم. یعنی مدیریت تیم را به بیژن ذوالفقارنسب (دستیار سرمربی وقت تیم ملی) سپردیم



جایی که این روزها چشم دیدن هم را ندارند و کروش در مصاحبه‌های عنوان کرد که تریاییان او را «هرتیکه» خطاب کرده‌است. مهدی محمدنبی دیگر سرپرست تیم ملی هم نتوانست کنار کروش دوام بیاورد و سرمربی پر تقالی به دلیل اینکه نمی‌در تابلت‌ات بین‌المللی‌اش نتوانسته شرایط خوبی را برای تیم ملی فراهم کند، با دبیر کل سابق فدراسیون که سرپرست تیم ملی هم بود به مشکل خورد. یکی دیگر از مخالفان اصلی کروش در فوتبال ایران، علیرضا اسدی دبیر کل فدراسیون فوتبال است. مدبری که شدیدترین درگیری‌ها را با کروش در روزهای حضورش در ایران بااین مدیر داشته است. اسدی در اوج اختلافات وزارت به فدراسیون و سپس کوتاه آمدن کفالتیان مقابل وزارت به عنوان گزینه وزیر وقت ورزش به فدراسیون آم‌د پس از همان اولین جلسه کروش و مربی ایستاد اما سرمربی تیم ملی با انتخاب مهدی تاج به عنوان رئیس فدراسیون، پرده از اختلافاتش با کفالتیان برداشت. عباس تریایی که در روزهای ابتدایی حضور کروش در ایران به عنوان سرپرست تیم ملی فعالیت می‌کرد و مذاکره‌کننده فدراسیون با این مربی برای آمدن به ایران بود، هم از دیگر کسانی است که با کروش به مشکل خورد تا



واژ ویر هم خواستیم تا فقط روحیه تیم را بالا ببرد حتی خود ویرا در مصاحبه‌هایش نیز گفته بود که بیش از این کاری از دستش بر نمی‌آید. میروسلاو بلاژویچ نیز چنین شرایطی داشت. بلاژ نیز مربی رسانه‌ای بود اما مدیریت بلد بود. زمان مدیریت ما تنها یک بار نتوانستیم شرایط را مدیریت کنیم آن هم در زمان روی کار آمدن میوسلاو ایویچ بود. ایویچ مربی بسیار خوبی بود ولی متأسفانه چون تیم خارج از ایران بود در ایتالیا موجی برایش به وجود آوردند و آن حاشیه ایجاد شد. همه ریسک‌های موجود را شناسایی کرده بودیم و با آنها آشنایی داشتیم. می‌توانستیم به علاوه همان روز اول با همه مربیان خارجی اتمام حجت می‌کردیم. به آنها می‌گفتم که از نظر امکانات در چه وضعیتی قرار داریم و همه چیز را شفاف برایشان بیان می‌کردیم تا پس از عقد قرارداد مشکلی پیش نیاید. ما هیچ روز اول نمی‌تقدیم. فلان امکانات را برای شما فراهم می‌کنیم یا قول‌هایی بدهیم که هرگز نتوانیم به آنها عمل کنیم. وقتی که وعده‌های خارج از عرف داده شود برای اینکه فلان مربی را به هر شکل ممکن به خدمت بگیرند و به نتیجه نرسند اما وعده‌ها هرگز عملی نشوند. معلوم است که سرمربی هر طور که بخواد جولان می‌دهد. نباید برای کروش خالی‌بندی کنیم و توقعاتش را بالا ببریم.

در سه هفته کنونی چطور می‌توان تیم ملی را از حواشی دور زمین نگه داشت؟

به نظر من فدراسیون فوتبال در برهه کنونی باید با کروش جلسه‌ای را برگزار کند و به صورت کامل شفاف شرایط را برای او روشن کند. به کروش بگویند که توقعات بیشتر از این را نمی‌توانند عملی کنند و اگر با این شرایط حاضر به ادامه همکاری نیست از او بخوانند استعفا دهد. با این حال مطمئن باشید مدیران فعلی نمی‌توانند اینگونه صریح با کروش صحبت کنند. مدیریت این موضوعات به این سختی‌ها هم نیست اما متأسفم که مدیران ما از مدیریت حواشی عاجزند.

پزشکی ایفمارک در مجموعه آکادمی فوتبال، ساختمانی که کروش معتقد د‌او طرحش را به فدراسیون داده اما الان به مرکز پزشکی تبدیل شده هم باعث شد تا زهره‌ریاتیان مسئول مرکز ارزیابی‌های پزشکی و بازتوانی‌های فوتبال ایران (ایفمارک) هم در لیست مخالفان کروش قرار بگیرد. کروش به شدت علیه هر تریان موضع گرفت و مدعی شد وی حکومتی تقلبی بر ایفمارک دارد. ■ ■ ■

علاوه بر مجموعه مدیریتی، کروش در پنج سالی که از انتخاب به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال می‌گذرد، بارها با دستاوتش هم به مشکل خورد و برخی از مربیانی که با انتخاب وی به کادر فنی اضافه شده بودند، در میانه راه از تیم ملی جدا شدند. در این بین می‌توان به کشته نمازی، مجید صالح، سمیع و میک درموت اشاره کرد که در این پنج سال اخیر به عنوان مربی کنار کروش مشغول کار شدند اما نتوانستند کنار این مربی دوام بیاورند. درباره جدایی دستیاران کروش هم گفته می‌شود بیشتر دلایل غیرنری تأثیر گذار بوده‌است و سبب شده تا سرمربی پر تقالی نفرت جدیدی را جایگزین دستیاران قبلی‌اش کند. در همین رابطه امید نمازی پس از جدایی از تیم ملی اشاره داشت که برای آشنایی با حلقه و خصوصیات کروش بهتر است با سیمونز یا درموت صحبت کنید که به چه علت از تیم ملی جدا شدند.

یکی از بحث‌انگیزترین دستیاران کروش که با وی در ادامه اختلاف پیدا کرد، علی کریمی بود که قبل از جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۵ هم به شکل عجیبی از تیم ملی کنار رفت. کریمی پس از سکوتی نزدیک به دو سال، با دیدن کار اخیر پس‌بالا گرفتن اختلافات کروش با مربیان لیگ برتری و به خصوص با برانکو، پشت سرمربی پرسپولیس را آمد و اختلافش را با کروش علنی کرد. او در گفتو گویی درباره اینکه کروش متقاعدش را مار و سبب خونده گفت: «قول من بنویسید آقای کروش، شهامت و شجاعت داشته باش. به جای مار و گرگ و عقرب و رتیل و... اسم منتقدان خودت را بیاور و بعد نظر بده! ضمن آن که یک حرف دیگر هم برای او دارم. شنیدم گفته‌اگر با عقاب‌ها نشست و بر خاست کنی، پرواز را یاد خواهی گرفت. می‌خواهم بگویم آقای عزیز، بلند پروازی هم خیلی خوب نیست، سر آدم گیج می‌رود و با سر زمین می‌خور.» البته در این لیست می‌توان از مربیانی مانند قلع‌نویی، برانکو و یازنیکانی مانند رحمتی و عقیلی هم نام برد که در لیست سیاه کروش قرار گرفتند.

مدیریت بحرانم آرزوست

۱۰۹ روز تا آغاز مرحله دوم مسابقات فوتبال مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل باقی مانده بود که هدایت نیمکت تیم ملی ایران به دست کارلوس کروش، مرد پرتغالی که سابقه نخستن کنار دست فرگوسن را در کارنامه داشت، سپرده شد. مردی که آمده بود تا تیم ملی ایران، حضوری دیگر در جام جهانی را تجربه کند. اما تیم ملی و فوتبال ایران، با او چیزهای زیاد دیگری هم در کنار حضور در جام جهانی تجربه کرد. بزرگ‌ترین نقطه قوت کروش را اگر نتیجه‌گیری او به حساب بیاوریم، بزرگ‌ترین نقطه ضعفش اما برخوردی است که با مسائل و اتفاقات اطراف دارد. بر خوردی که البته شاید در طول پنج سال حضورش در فوتبال ایران آموخته و نوعی عکس‌العمل به آن چیزی باشد که اینجا دیده و شنیده است. کروش هرگز مربی خود داری نیست و همواره واکنش‌هایش به مسائل و مشکلات تند و تیز است و در این خصوص با احدی هم شوخی ندارد. می‌خواهد طرف مقابلش رئیس فدراسیون باشد، معاونین او یا حتی بازیکنی که به هر دلیلی تصمیم می‌گیرد با یک تصمیم، به ارزیابی جایگاه خود در فوتبال بپردازد و خیلی زود می‌فهمد که دیگر راه بازگشتی ندارد. در نگاه اول، شاید اینگونه به نظر برسد که این برخورد‌های سفت و سخت جدی، می‌تواند نقطه‌ای مثبت باشد که از ایجاد هر گونه هرج و مرج و چالشی ممانعت می‌کند چرا که اجازه هیچ گونه قانون شکنی و حاشیه‌سازی را نمی‌دهد اما نه وقتی که این جدیت به گونه‌ای است که کروش تحمل شنیدن هیچ گونه انتقاد اعم از سازنده یا مفرضانه را ندارد و هیچ حرفی را بی‌پاسخ نمی‌گذارد و هر بار چنان از کوره درمی‌رود که حتی اگر عصبانیتش به حق هم باشد، ناحق دیده شود و جنجالی جدی برای تیم ملی.

طی تمام این سال‌ها، کروش با شخصی زیادی درگیر شده است. بعضی مواقع حق داشته و گاهی هم البته نه. اما هر بار هم پاسخ‌های کوبنده‌ای داده و نه قدمی از حرفش کوتاه و پایین آمده و نه نرمشی به خرج داده است. در واقع او همیشه و از همان روز اول گفته و ثابت کرده که مرش جز یک پا ندارد و برای نشاندن حرفش به کرسی، از هیچ کوششی قنر نگذازمی‌کند و در این راه، محبوبیت پیش از اندازه‌ای نیز که در بین مردم جامعه دارد امد نظر قرار داده با استفاده از این پوئن و البته تهدید به استعفا و رفتن، آنچه را که می‌خواهد و در نظر دارد می‌گیرد. می‌خواهد به حق باشد یا نه. اما آنچه که در این بین بسیار حائز اهمیت است و کمتر به چشم می‌آید و مورد توجه قرار می‌گیرد، مدیریت بحران‌هایی است که سر مربی تیم ملی به وجود می‌آورد یا خواسته و ناخواسته، به دلیل داشتن لحن تندش، در آن گیر می‌کند. همانطور که گفته شد، کروش همیشه هم مقصر نیست. همانطور که همیشه هم میرا و بی‌تقصیر نیست اما نحوه بیان او و مقابله به مثلی که با مسائل و مشکلات دارد، به شکلی است که اینگونه القای می‌کند که همیشه مقصر و در کل یک مربی جنجالی است. اما واقعیت آن است که اگر مسئولان و نفارت بالا دستی کروش اندکی بیشتر به مسائل اشراف داشتند و چیزی از مدیریت بحران می‌دانستند، خیلی از درگیری‌هایی که طی سال‌های گذشته شاهد آن بودیم رخ نمی‌داد. در واقع کروش اگر امروز بی‌محابا، کلماتی چون مار و عقرب را به عده‌ای نسبت می‌دهد تنها به این دلیل است که در وهله نخست می‌داند این خوداوست که باید با منتقدانی که مغرضانه یا نه اصلاً به حق او را نقد کرده‌اند سرشاخ شود و فدراسیون و مسئولان آن خوابشان سنگین‌تر از آن است که بخوانند پیشقدم شوند برای پیشگیری یا حتی مینجگیری و در وهله بعد یاد گرفته که از محبوبیتی که دارد استفاده کند و دیگر خوب می‌داند با بالا بردن صدایش می‌تواند خیلی بهتر حشش را بگیرد. کروش شاید طی سال‌های گذشته مصاحبه‌های تند و تیزی انجام داده باشد و جنجال‌های زیادی را رقم زده باشد. اما قبل از آنکه نوک پیکان انتقادات را به سوی او بگیریم برای قضاوت با محاکمه‌اش، باید نگاهی داشته باشیم به عملکرد مدیران و بالادست‌های او و ببینیم آنها در شکل‌گیری این رفتار چه نقشی داشته‌اند و یا هرگز گامی برداشته‌اند برای حل مشکلات پیش پا افتاده‌ای که بی‌توجهی به آنها توانسته کوهی از نفاق و دشمنی ایجاد کند؟ دعوا با اسدی و عابدینی از جمله دعواهای کروش در طول سال‌های حضورش در ایران است که می‌توانست هرگز به وجود نیاید اگر، رؤسای فدراسیون، چه تاج و چه قبل از و کفاشیان، محدوده کروش و کرماندان خود (اسدی و عابدینی) و حیطه وظایف آنها را یادآور می‌شدند. اما این اتفاق هرگز رخ نداد تا کروش هم مانند منتقدانش شمشر از رو ببیندد و جنگی به راه افتد که ضربه اصلی آن بر پیکره فوتبال ملی ایران می‌خورد و بس!



مربیان بزرگ، اسیر حاشیه‌های فوتبال ایران

ایویچ قربانی شد، بلاژ اشتباه کرد

پیش از حضور کارلوس کروش به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال در ایران، مربیان نامدار دیگری برای هدایت تیم ملی فوتبال ایران در کشورمان حضور نداشتند. مربیانی که هر کدام حواشی و چار و جنجال‌های خاص خودشان را داشتند و هر کدام به نوعی با سر و صدا و افت و خیزهای خارج از مستطیل سبز درگیر بودند. تومیسلاو ایویچ و میروسلاو بلاژویچ دو مربی بزرگ اروپایی بودند که به نسبت مربیان دیگر هم از نام و آوازه بیشتری برخوردار بودند و هم از حواشی بیشتر و سخت‌تری. ■

بعد از صعود تاریخی و معجزه‌آسای ایران به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه مسئولان وقت فدراسیون فوتبال تصمیم گرفتند تا هدایت تیم ملی را بعد از محمد مایلی‌کهن والدیر ویرا به پیرمرد کاربلد و فوتبال شنس یوگسلاوی سابق یعنی تومیسلاو ایویچ سپارند. نام بزرگ ایویچ که شاگردان بسیار زیادی را به ستاره تبدیل و روانه فوتبال اروپا کرده بود کافی بود تا همه روی تیم ملی فوتبال ایران تحت هدایت او حساب ویژه و جاذبه‌ای باز کنند. حضور ایویچ در روزهای ابتدایی همراه با شور و شغف و بهبه و چه‌چه‌های خاص خودش بود اما این شرایط چندان دوام نیاورد و روزهای خوب خیلی زود جای خود را درگیری حاشیه پردازی خاص فوتبال ایران داد. یازنیکان با هم لابی کردند تا رسته‌های فراموش نشدنی آن سال‌های فوتبال ایران نتوانستند فرامین و امر و نهی‌های ایویچ را تحمل کنند بنابراین طی یک اقدام هماهنگ در دیدار دوستانه برابر آرم ایتالیا ۷ بر یک باختند تا پیرمرد ساک خود را ببیندد و برود و بگوید «یازنیکان ایران بهترین یازنیکان دنیا هستند البته در خراب کردن مربی». جالب اینکه همان تیم فوتبال ایران در بهترین حالت پس از این تیم میلان را در این تیم فوتبال ایران فرصت استفاده از دشت یکی از برترین و باکلاس‌ترین مربیان فوتبال دنیا را از دست بدهد، فرصتی که تا پیش از حضور کارلوس کروش در فوتبال ایران و تیم ملی هم‌رگز برای فوتبال ایران تکرار نشد.

بلاژ پرسر و صدا و ناکام

«گر یوگسلاوی، ایران را بر دمن یک توپ فوتبال را فوراً می‌دهم». بیان همین جمله از سوی میروسلاو بلاژویچ سرمربی کرواسی بعد از پایان بازی دوستانه این تیم مقابل تیم ملی ایران پیش از آغاز جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه کافی بود تا فدراسیون نشینان فوتبال ایران قانع شوند که هدایت تیم ملی در راه رسیدن به جام جهانی ۲۰۰۲ ژاپن و کره جنوبی را به بلاژ بسپارند، مردی که کرواسی را در جام ۹۸ روی به سورم جهان قرار داد، امیدها دوباره زنده شده بود، بلاژ علاوه بر آن اظهار نظر تکرار نشدنی بارها و بارها در حرف‌های خود نشان داد به ایران و ایرانی عشق می‌ورزد و حتی ابایی نداشت از اینکه عنوان کند ایران وطن دوم من است، اما نتیجه‌ای که حاصل شد چیزی نبود که بتوان آن را زیر سایه این حرف‌ها و جملات اغراق آمیز و قشنگ پنهان کرد، بلاژ از اصل کار غافل شد تا ایران در حالی که دو رقیب اصلی یعنی کره و ژاپن به سبب مربیانی در رقابت‌های مقدماتی حضور نداشتند نتوانند به جام جهانی پیدا کرد و ژاپن به تنسحه بلاژویچ هم خیلی زودتر از آنچه که تصور می‌شدند پیچیده شود. بلاژویچ به رغم شجار و حرف‌های دل‌ربا بی‌خود زود بان خود را در تیم ملی تشکیل داد و ستاره‌هایی چون خداداد عزیزی را از تیم ملی کنار گذاشت تا به نوعی مقابل نشن طلایی فوتبال ایران قد علم کند اما ضعف در نتیجه‌گیری باعث شد فوتبال ایران خیلی زود او را کنار بگذارد و در عوض به مردی اطمینان کند که سال‌ها کنار دست او ننشسته بود، پروفورر برانکو ایوانکوویچ کسی که همان روزها هم گفته می‌شد مغز متفکر بلاژویچ است و پیرمرد حتی بدون وجود او فکر هم نمی‌تواند بکند، جالب اینکه فوتبال ایران چهار سال بعد با هدایت برانکو به صورت مستقیم راهی جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان شد تا بارانکو همراه با تیم ملی ایران به بلاژویچ ثابت کند نتیجه‌گیری صرفاً به شعار دادن و بیان حرف‌های شورانگیز نیست و باید برای موفقیت اندیشه داشت.

نگاه
دنیاچندری

گفت‌وگو
فریدون حسن

مربیان نامدار دیگری برای هدایت تیم ملی فوتبال ایران در کشورمان حضور نداشتند. مربیانی که هر کدام حواشی و چار و جنجال‌های خاص خودشان را داشتند و هر کدام به نوعی با سر و صدا و افت و خیزهای خارج از مستطیل سبز درگیر بودند. تومیسلاو ایویچ و میروسلاو بلاژویچ دو مربی بزرگ اروپایی بودند که به نسبت مربیان دیگر هم از نام و آوازه بیشتری برخوردار بودند و هم از حواشی بیشتر و سخت‌تری. ■

بعد از صعود تاریخی و معجزه‌آسای ایران به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه مسئولان وقت فدراسیون فوتبال تصمیم گرفتند تا هدایت تیم ملی را بعد از محمد مایلی‌کهن والدیر ویرا به پیرمرد کاربلد و فوتبال شنس یوگسلاوی سابق یعنی تومیسلاو ایویچ سپارند. نام بزرگ ایویچ که شاگردان بسیار زیادی را به ستاره تبدیل و روانه فوتبال اروپا کرده بود کافی بود تا همه روی تیم ملی فوتبال ایران تحت هدایت او حساب ویژه و جاذبه‌ای باز کنند. حضور ایویچ در روزهای ابتدایی همراه با شور و شغف و بهبه و چه‌چه‌های خاص خودش بود اما این شرایط چندان دوام نیاورد و روزهای خوب خیلی زود جای خود را درگیری حاشیه پردازی خاص فوتبال ایران داد. یازنیکان با هم لابی کردند تا رسته‌های فراموش نشدنی آن سال‌های فوتبال ایران نتوانستند فرامین و امر و نهی‌های ایویچ را تحمل کنند بنابراین طی یک اقدام هماهنگ در دیدار دوستانه برابر آرم ایتالیا ۷ بر یک باختند تا پیرمرد ساک خود را ببیندد و برود و بگوید «یازنیکان ایران بهترین یازنیکان دنیا هستند البته در خراب کردن مربی». جالب اینکه همان تیم فوتبال ایران در بهترین حالت پس از این تیم میلان را در این تیم فوتبال ایران فرصت استفاده از دشت یکی از برترین و باکلاس‌ترین مربیان فوتبال دنیا را از دست بدهد، فرصتی که تا پیش از حضور کارلوس کروش در فوتبال ایران و تیم ملی هم‌رگز برای فوتبال ایران تکرار نشد.

بلاژ پرسر و صدا و ناکام

«گر یوگسلاوی، ایران را بر دمن یک توپ فوتبال را فوراً می‌دهم». بیان همین جمله از سوی میروسلاو بلاژویچ سرمربی کرواسی بعد از پایان بازی دوستانه این تیم مقابل تیم ملی ایران پیش از آغاز جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه کافی بود تا فدراسیون نشینان فوتبال ایران قانع شوند که هدایت تیم ملی در راه رسیدن به جام جهانی ۲۰۰۲ ژاپن و کره جنوبی را به بلاژ بسپارند، مردی که کرواسی را در جام ۹۸ روی به سورم جهان قرار داد، امیدها دوباره زنده شده بود، بلاژ علاوه بر آن اظهار نظر تکرار نشدنی بارها و بارها در حرف‌های خود نشان داد به ایران و ایرانی عشق می‌ورزد و حتی ابایی نداشت از اینکه عنوان کند ایران وطن دوم من است، اما نتیجه‌ای که حاصل شد چیزی نبود که بتوان آن را زیر سایه این حرف‌ها و جملات اغراق آمیز و قشنگ پنهان کرد، بلاژ از اصل کار غافل شد تا ایران در حالی که دو رقیب اصلی یعنی کره و ژاپن به سبب مربیانی در رقابت‌های مقدماتی حضور نداشتند نتوانند به جام جهانی پیدا کرد و ژاپن به تنسحه بلاژویچ هم خیلی زودتر از آنچه که تصور می‌شدند پیچیده شود. بلاژویچ به رغم شجار و حرف‌های دل‌ربا بی‌خود زود بان خود را در تیم ملی تشکیل داد و ستاره‌هایی چون خداداد عزیزی را از تیم ملی کنار گذاشت تا به نوعی مقابل نشن طلایی فوتبال ایران قد علم کند اما ضعف در نتیجه‌گیری باعث شد فوتبال ایران خیلی زود او را کنار بگذارد و در عوض به مردی اطمینان کند که سال‌ها کنار دست او ننشسته بود، پروفورر برانکو ایوانکوویچ کسی که همان روزها هم گفته می‌شد مغز متفکر بلاژویچ است و پیرمرد حتی بدون وجود او فکر هم نمی‌تواند بکند، جالب اینکه فوتبال ایران چهار سال بعد با هدایت برانکو به صورت مستقیم راهی جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان شد تا بارانکو همراه با تیم ملی ایران به بلاژویچ ثابت کند نتیجه‌گیری صرفاً به شعار دادن و بیان حرف‌های شورانگیز نیست و باید برای موفقیت اندیشه داشت.